

خبر

خداحافظی با مادر کلاه قرمزی

بخش فرهنگی – با حضور جمعی از هنرمندان و علاقه‌مندان، پیکر دنیا فنی‌زاده، عروسک‌گردان کلاه قرمزی از خانه سینما تا قطعه هنرمندان تشییع شد. به گزارش خبرآنلاین، صبح پنجشنبه، ۹ دی ماه، ساختمان شماره دو خانه سینما شاهد تشییع پیکر دنیا فنی‌زاده بر شانه‌های جمعی از هنرمندان و مردم بود.

مراسم بدرقه عروسک‌گردان کلاه قرمزی تا خانه سینما، با حضور هنرمندانی چون حمید جبلی، ایرج طهماسب، منوچهر شاهسواری (مدیرعامل خانه سینما)، سعید پورصمیمی، فرشته طائرپور، هما‌یون اسعدیان، حمید مدرسی، علی قائم مقامی، آزاده پورمختار، ایرج نوذری، حبیب ایل‌بیگی (مدیر اداره نظارت و ارزشیابی)، حبیب رضایی، احمد حامد، علیرضا رضاداد (دبیر جشنواره فیلم کودک و نوجوان)، محمدحسین لطیفی، مازیار میری، ستاره اسکندری، مهتاج نجومی، شهرام حقیقت‌دوست، علیرضا تابش (مدیرعامل بنیاد سینمایی فارابی)، عادل یزوده، حبیب دهقان‌نسب، یدالله صدقی و … جمعی از مردم برگزار شد.

در ابتدای مراسم، پیام تلفنی فاطمه معتمدآریا که در رامسر مشغول بازی در فیلم فرمان‌آرا است،بخش شد. سپس با این‌که حمید جبلی و ایرج طهماسب در مراسم حاضر بودند، پیام مشترک این دو هنرمند توسط احسان کرمی خوانده شد.

طائرپور: هیچ‌کس دنیا را بدون خنده ندید

در ادامه مراسم، فرشته طائرپور، تهیه‌کننده سینما در سخنانی گفت: «اگر دردها و رنج‌ها رو از عمر دنیا فنی‌زاده کم کنیم، چه چیزی حدود ۱۵ تا ۲۰ سال می‌رسیم. دنیا با همین سن و سال از بین می‌رود یعنی یک جوان ۲۰ ساله که خوب زندگی کرد در حالی که همه بهانه‌ها را برای غمگین بودن داشت ولی غمگین زندگی نکرد و همه دلایل را برای نرسستن داشت اما هیچ لحظه‌ای از کوشش دست برنداشت.»

او افزود: «هیچ کس دنیا را بدون خنده ندید حتی در لحظه‌هایی که درد داشت و حالش را می‌پرسیدی یا لیخند خدا را شکر می‌کرد. امیدوارم پسرانش، این راه و رسم او را حفظ کنند و همسرش که از این پس مسئولیت سنگینی دارد.»

طائرپور با اشاره به دوستی میان معتمد آریا، مرضیه محبوب و دنیا فنی زاده و نیز دوستان صمیمی دیگرش گفت: «آنها درس دوستی را خیلی خوب پس دادند و در تمام ماه‌ها و سال‌ها که بیماری به جان دنیا چنگ انداخت، کنارش بودند.»

او خطاب به ایرج طهماسب و حمید جبلی گفت: «تمام این حلقه‌ای که برای بچه‌ها کار می‌کنند، خوب می‌دانند که جای خالی دنیا فقط با رفتار کردن شبیه دنیا پُر می‌شود. این پیکر که اینجا آرمیده دیگر از درد و رنج رها شده و من یقین دارم روحش بین ما است و دوست دارد به زندگی فکر کنیم و علاوه بر دعا و صلوات به احترام زندگی و شادی که او دوستش داشت دست بزنیم و او را با شادی بدرقه کنیم.»

فرشته طائرپور پس از کف زدن حاضران در حیاط خانه سینما بیان کرد: «خدا همه ما را پیام‌رزد که مثل دنیا شاد کردن و شاد زندگی کردن را همراه داشته باشیم و امیدوارم این اول آرامش دنیا و شادی لایزال او و آخر غم همه شما باشد.»

محبوب: دنیا با همه بی‌مهری‌ها عاشقانه کار کرد

در ادامه مرضیه محبوب از دوستان، همکاران دنیا فنی‌زاده در سخنانی گفت: «دنیا با همه بی‌مهری‌ها و نادیده گرفتن‌ها عاشقانه کار کرد. من و او، پشت آن دکورهای عروسک‌ها با هم زندگی کردیم درباره همه چیز حرف زدیم، اشک ریختم، خندیدیم و حتی بچه‌هایمان را آنجا بزرگ کردیم.»

او با اشاره به صحبت‌هایی که میان خود و دنیا فنی‌زاده درباره اینکه کدام یک زودتر می‌میرند، رد و بدل شد، افزود: «او به من می‌گفت وقتی من مُردم باید در چنین جایگاهی بیایی و درباره‌ام صحبت کنی اما من هم می‌گفتم، روی من حساب نکن من آن بالا نمی‌روم. می‌گفتم دنیا من از تو بزرگ‌ترم، تو می‌روی آن بالا و این حرف‌ها را می‌زنی یعنی باید بروی و مجبوری.»

ایرج نوذری: او ۱۱ سال جنگید

در ادامه مراسم از ایرج نوذری به عنوان دوست صمیمی این خانواده دعوت شد تا صحبت کند.

نوذری گفت: «او بیش از ۱۱ سال جنگید و مرگ را مسخره می‌کرد و کسی حتی باور نمی‌کرد او بیمار باشد. دنیا به معنای واقعی، خود عشق بود.»

این هنرمند خطاب به پسران دنیا فنی‌زاده که در مراسم حاضر بودند، گفت: «سرتان را بالا نگه دارید! با افتخار هم بالا نگه دارید، چون مادری داشتید که هم مرد بود و هم زن، غم سنگینی است اما بدانید که او نمرده است.»

{فرهنگ و هنر}

فیلم هایی که سفیر امید سینمای جهان شدند

روزنه‌های امید در دل تاریکی

کرد. شما می‌توانید با بررسی آثار کارنامه کوروساوا به نتایج مختلفی در مورد پیمای که همواره سعی در انتقال آن داشته دست پیدا کنید. او آثار زیبایی با محور اعتقاد در دهه ۹۰ ساخته است، از سویی پس از جنگ‌ جهانی دوم و فضای آخرازماتی که ژاپن را فراگرفته بود آثاری بسیار خوش‌بینانه ساخت تا روحیه مخاطبان ژاپنی خود را افزایش دهد.

یکی از این آثار تکان‌دهنده «یکشنبه شگفت‌انگیز» است. اثری محصول سال ۱۹۴۷ که ماجرای زوجی متعلق به طبقه متوسط را در دوران جنگ در توکیو توصیف می‌کند. فیلم به‌شکل عجیبی می‌توانست در قالب اثری صامت به‌نمایش درآید، این مشخصه فیلم تا اندازه‌ای بارز بود که تغییر آهنگ استاد در آن دوران باعث شگفت‌زدگی هوادارانش شد و بسیاری «یکشنبه شگفت‌انگیز» را متفاوت‌ترین اثر وی در زمان خود دانستند. شاید آثار اندکی در تاریخ سینما وجود داشته باشد که با پایان‌بندی خود بتوانند اینچنین حس امیدواری را جایگزین نگرانی‌هایی که در ابتدای فیلم مطرح کرده‌اند کند و چنین موفق از آب درآمده باشند.

۳– شکسپیر عاشق

اثر تحسین‌شده جان مادن با ظرافتی خاص و دلپذیر در میان وقایع تاریخی دست برده و شما را دچار شگفتی می‌کند. فیلم زندگی یکی از بزرگترین تراژدی‌نویس‌های ادبیات غرب را چنان پر از نور و رنگ عشق روایت می‌کند که کمتر مخاطبی علاقه دارد از این داستان‌پردازی دست بکشد و آن را باور نکند. فیلم برای علاقمندان به ویلیام شکسپیر جذابیت‌های مختص به خودشان را دارد. نویسنده اثر تام استوارد موقعیت مناسبی برای ارائه اثری بدون نقص را در اختیار سازندگان و مخاطبان قرار داده است. فیلم واجد قدرت نقش‌آفرینی بسیار بالایی است، نقش‌های محوری اثر به‌شدت باورپذیر و نقش‌های فرعی نیز یکی از بهترین بازی‌های ایفاگران خود را به‌ارمغان آورده‌اند. برای نمونه جفری راش یکی از بهترین نقش‌های مکمل کارنامه‌اش را ارائه می‌دهد. «شکسپیر عاشق» با تکیه بر این ایده بدون تاریخ مصرف، عشق را راهگشای بسیاری از مشکلات انسان‌ها در شرایط مختلف مطرح می‌کند.

۴– سه رنگ: آبی

هنگام آغاز هرگونه بحثی در مورد آثار کریستف کیشلوفسکی باید این مسئله ذکر شود که وی استاد به تصویرکشیدن تمام وضعیت‌های متفاوت انسانی است و اغلب حتی با به‌تصویرکشیدن یک سکانس کوتاه به انتقال این وضعیت‌هاست. آثار او شاید به‌شکلی لیجوانه افسرده‌کننده به نظر برسند ولی گاهی در انتهای آثارش (به‌خصوص در سه رنگ) می‌توان رنگی از امید به اروپا یا درون آن شاهد بود. کیشلوفسکی با «ده فرمان» لحظات تلخی را برای ما رقم زد و در «شانس کور» یکی از هولناک‌ترین پایان‌بندی‌های تاریخ سینما را به‌نمایش گذاشت ولی «آبی» اثری متفاوت است، لحناتی گرم و فوق‌العاده زیبا دارد که می‌تواند بار بی‌امیدی آثار دیگر فیلمساز را به‌دوش بکشد. واقعیت این است که شاید تا این‌جای کار نیز بسیاری با عقیده امیدبخشی «سه رنگ» مخالف باشند، در چنین شرایطی نیز می‌توان به آن‌ها حق داد زیرا هنگامی که وضعیت روحی مناسبی ندارید سخت است فیلمی را که ژولیت بینوش را در همان ابتدای امر مسئول مرگ همسر اهنگساز و دختر کوچکش می‌داند، انتخاب کرده و تماشا کنید. اما نگران نباشید زیرا زمانی که شما محو تماشای نقش‌آفرینی خیره‌کننده بینوش هستید، وضعیت تغییر می‌کند و روزنه‌های امید با هوشمندی برای مخاطبان اثر پدیدار می‌شود.

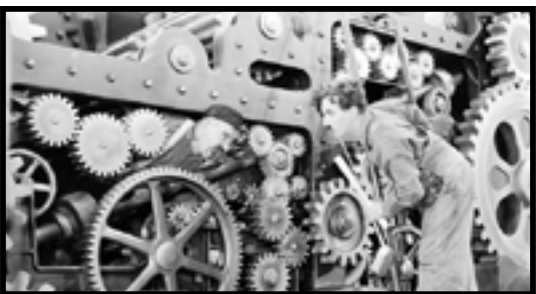
۵– بال‌های اشتیاق (فرشتگان بر فراز برلین)

سه کلمه جادویی برای اشخاصی که نیاز به ستخان امیدبخش دارند وجود دارد: این نیز بگذرد. اویم وندرس برای اشخاصی که علاقه‌ای به فکر کردن در مورد این جمله جادویی ندارند، اثری با نام «بال‌های اشتیاق» را به‌ارمغان آورده است. اثری که به واکاوی موجودیت انسان‌ها می‌پردازد، آن هم درست در دورانی سخت، جایی که هنوز دیوار برلین مرز هولناکی میان ساختار کشورش می‌کنید. فیلم ماجرای گشتگان‌های فرشته‌ای را بازگو می‌کند که نامیرا بودنش را فدای احساسات و عواطف انسانی می‌کند. «بال‌های اشتیاق» با ریزبینی به شما یادآوری می‌کند که زندگی همواره آسان نیست و گاهی فرشتگان حاضر به فداکردن بال‌های خود برای اشتیاقی هستند که به‌شريت در شرایط بد یا خوب با آن دست‌وپنجه نرم می‌کند. فیلم رویایی شفاف برای مخاطبان ناامید خود به‌تصویر کشیده است. نمونه‌ای کمیاب که پس از اتمام آن لب به‌تحسین وندرس و بازیگر مقتدرش پرونو گانز باز می‌کنید.

پیشنهادهای فرهنگی هفته

با رفت و برگشت میان گذشته و حال مارتا ما را در موقعیت همسان و قابل قیاس قرارمی دهد، در دنیای مارتای واقعی و دنیای دیگر مارتای تسخیر شده.
تلویزیون: «لیسانسه ها» به کارگردانی سروش صحت در شبکه سوم پخش می شود. سریال به مانند کارهای پیشین صحت مثل: شعدونی و ساختمان پزشکان کلی آدم درماده و پر رو دارد که در عین بی عرضگی اعتماد به نفس کاذب دارند. سریالی در نقد وضعیت رفت انگیز برخی از جوانان نسل جدید که از عالم و آدم طلبکار هستند. هنوز برای قضاوت زود است اما به نظر موقعیت ها می باشد که با هنر نفیسی در کنار تک نوازی گیتار شنیدنی تر شه.
نمایش خانگی: «فروشنده» ساخته ی اصغر فرهادی قرار بوده که دیروز به شبکه نمایش خانگی بیاید. اگر اتفاق خاصی نیفتاده باشد امروز باید در دسترس باشد. تولید کنندگان فیلم تصمیم گرفته به فاصله کم از اکران فیلم، اثر را راهی بازار کنند. فیلم نیاز به معرفی خاصی ندارد قطعاً این قدر از این فیلم شنیده اید که نیازی به توضیح و دروغین از آدم ها می سازد.

مارتا پس از خروج از این فرقه دچار پارانویا است و نسبت به جهان اطرافش بدگمان است او به لوسی خواهرش پناه می برد. کارگردان



آرش واحدی

همواره روزهای تلخی برای انسان وجود دارد که باعث بسته شدن روزنه‌های امید برای دیدن فردهایش می‌شود. این روزها شاید نگرانی‌ها بیشتر از هر زمان دیگری شده است، معضلاتی چون گرم‌شدن کره زمین، انتخاب‌های پرحاشیه و ترسناک سیاسی، جنگ‌های پایان‌ناپذیر و بیشتر شدن آمار بیکاری و گرسوزی در سراسر دنیا، بهانه خوبی برای تاثیر گذاری این نگرانی‌ها در زندگی انسان به‌وجود می‌آورد. در هرصورت زمانی خورشید غروب می‌کند و روزی طلوع خواهد کرد و یکی از راهکارهای اصلی ما برای پشت‌سر گذاشتن این نگرانی‌ها، نگاه خوش‌بینانه به فردایی روشن است. سینما به‌عنوان محبوب‌ترین هنر حال‌حاضر جهان نقش بسزایی در شکل‌گیری این نگاه خوش‌بینانه ایفا می‌کند. در حقیقت تماشای فیلم‌هایی از میان آثار بی‌شمار تاریخ سینما به شما اجازه می‌دهد که نور امید را در دلتان همواره روشن نگاه دارید. فیلم‌هایی که در تاریخ سینما ماندگار شده‌اند و بیانگر حضور این مشکلات در برهه‌های مختلف هستند. مشکلاتی که بشریت در نهایت بر آن‌ها فائق آمده و حیات خود را ادامه داده است.

این آثار سینمایی را می‌توان به‌عنوان تاریخ مشکلات بشر و پشت‌سر گذاشتن آن‌ها در نظر گرفت. آثاری که امروزه به لطف سینمادوستان به‌راحتی قابل دسترسی هستند و شما می‌توانید با رجوع به آن‌ها ضمن تازه‌کردن حافظه تاریخی خود به آینده امیدوار شوید و در برابر مشکلات شخصی و عمومی قد علم کنید. این آثار همان‌گونه که می‌تواند دکمه‌ای برای بازگشت شما به گذشته باشد، توان راهنمایی مخاطبانش را به‌سوی آینده‌ای روشن دارد. درحقیقت این قبیل آثار هدایت‌کننده نسل جدید ما برای کشف روزنه‌های امید در آینده هستند. در نمونه‌هایی که مقابل خود می‌بینید تلاش شده است تمام ابعاد مشکلات بشر در این روزها را بررسی کنیم، تا شاید فرارغ از سنگینی باری که هر یک بر دوش می‌کشیم نسبت به روزهایی که پیش‌رو داریم احساس بهتری داشته باشیم.

با توجه به این‌که سینما در طول حیاتش پیکره‌ای عظیم و متصل برای خود تراشیده است، پنج فیلمی که به آن پرداخته‌ایم مربوط به دوران‌های مختلف و الهام‌بخش نسل‌های متفاوت بوده‌اند، آثاری که از میان سینمای صامت، سینمای کلاسیک و سینمای اروپا که با زبانی شیرین قادر به بخشیدن امید به مخاطبان خود تا به امروز هستند. در حقیقت این آثار در کنار مسائل زیبایی‌شناسی در سینما و حفظ ارزش‌های متنی دیگر واجد ارزش‌هایی فرامنتی هستند که تا به این روزگار ادامه پیدا کرده است. حال این ارزش‌ها می‌تواند توسط فستیوال‌ها و مراسم جوایز مختلف در سال تولید این آثار مورد ستایش قرار گرفته باشد و یا نادیده گرفته شده و با عبور دهه‌ها ارزش‌هایشان را به‌اثبات رسانده باشند.

۱ – عصر جدید

«عصر جدید» بنا بر دلایل بسیار زیادی حال شما را خوب می‌کند، دلایلی که هیچ ارتباطی به وضعیت سیاسی امروز جهان پیدا نمی‌کند و تنها به‌دلیل درست قرار گرفتن تمام عناصر یک فیلم می‌تواند ایمان شما به آینده را بیشتر کند. با تماشای فیلم شاید به این مسئله بیندیشید که وعده‌هایی که اثر با پایان‌بندی قدرتمندش به مخاطب می‌دهد با شرایط امروز هیچ تاسخی ندارد ولی اثر ارزشمند چاپلین اقق‌هایی فراتر از دوران ترامپ‌ها را روشن می‌کند و درهای بزرگ به مسائل انسانی باز می‌کند. در «عصر جدید» چارلی چاپلین روایت خود را از سندان‌هایم و چرایی وجود سینمای صامت به‌سوی گوش ناشنایو آیندگان (حال به هر اندازه پیشرفته) راهنمایی می‌کند.

تماشای فیلم شما را مجبور به اندیشیدن در باب وضعیت خود در دوران پسامدرنیته می‌کند. راهکاری زیبا برای رویآوری با غروب‌های غمگین. «عصر جدید» می‌تواند کمی گیج‌کننده باشد زیرا شرایطی را به‌تصویر می‌کشد که به‌تهنایی انسان‌ها بازی‌گردد. مدرنیته می‌تواند باعث تهنایی شما شود، می‌تواند وحشت‌آور و در برخی مواقع بی‌رحم باشد ولی در نهایت اقق‌هایی تازه در مقابل چشم‌های شما قرار خواهد گرفت که به زندگی شما معنی تازه‌ای می‌بخشد؛ این بستگی به خودتان دارد که در چنین شرایطی رو به‌جلو حرکت کنید یا درجا بنزید.

۲ – یکشنبه شگفت‌انگیز

کارنامه آکیرا کوروساوا در شش دهه بیش از ۱۲ ژانر را درون خود دیده است، اما در دل تمام آن‌ها نقشی زیبا از احساسات انسانی قابل رویت است. انسانیتی که می‌توان درون آن رگه‌های پرنرگی از اعتقاد، ایمان و عشق را نظاره

شنبه ۱۱ دی ماه ۱۳۹۵

خبر

پوران فرخزاد در گذشت

بخش فرهنگی – پوران فرخزاد ساعت هشت صبح پنجشنبه بر اثر ایست قلبی دار فانی را وداع گفت.

خبر درگذشت پوران فرخزاد در گفت‌وگوی ایسنا با دوست و همچنین نوهی این نویسنده، به تایید رسید.

روز گذشته تیم پزشکی معالج پوران فرخزاد، وضعیت و حال عمومی او را نسبت به روزهای پیش وخیم‌تر و سطح هوشیاری‌اش را پایین‌تر اعلام کرده بودند. این شاعر، نویسنده و پژوهشگر چند روزی بود که

در بخش مراقب‌های ویژه بیمارستان در وضعیت کما به سر می‌برد. پوران فرخزاد متولد بهمن‌ماه سال ۱۳۱۲ است و از جمله آثار او به «زن از کتبیبه تا تاریخ» (دانشنامه زنان فرهنگساز ایران و جهان در دو جلد)، «وایام سرخ شقایق» (گزیده‌ای از اشعار زنان جهان)، «نیمه‌های ناتمام؛ سیری در شعر زنان از رایبه تا فروغ»، «زن شبانه موعود» (نشان زن در آثار سهراب سپهری)، «کسی که مثل هیچ‌کس نیست» «دریاره فروغ فرخزاد، مجموعه شعر «خوشبختی در خوردن سیب‌های سرخ»، مجموعه داستان «بیداری در پاییز»، مجموعه رباعی «جنگ مشوش»، داستان‌های بلند «در پس آینه» و «آتش و باد»، رمان «در انتهای آتش و آینه» و فرهنگ «کارنامهی زنان کارای ایران از دیروز تا امروز» می‌توان اشاره کرد.

داریوش مهرجویی: ایرادهای منتقدان از سر کم دانشی است

بخش فرهنگی – داریوش مهرجویی در مراسم رونمایی از کتاب «دو خاطره: سفرنامه پاریس، عوج کلاب»، کم‌دانشی و نادانی را عامل اصلی ایرادهایی دانست که منتقدان به کتاب‌هایش می‌گیرند.

به گزارش خبرآنلین، مراسم رونمایی از جدیدترین کتاب داریوش مهرجویی کارگردان سینما تحت عنوان «دو خاطره: سفرنامه پاریس، عوج کلاب» عصر چهارشنبه هشتم دی با حضور شهرام اقبال‌زاده (نویسنده و منتقد)، امیر پوریا (منتقد سینما)، علی شروقی، مجتبی گلستانی (منتقد و استاد فلسفه) و جمعی از هنرمندان و علاقه‌مندان در خانه هنرمندان برگزار شد.

مراسم به دلیل دیر رسیدن داریوش مهرجویی و تعدادی از مهمانان با تاخیر شروع شد.

در ابتدای این مراسم رونمایی، شهرام اقبال‌زاده درباره داریوش مهرجویی و کتاب او گفت: «کتاب‌خوان‌ترین آدمی که من دیدم داریوش مهرجویی است، او هم متوع می‌خواند و هم به دو زبان می‌خواند و این خصلت بسیار خوب اوست.»

او ادامه داد: «مهرجویی چند سالی است که به رمان‌نویسی روی آورده و عدای به او ایراد می‌گیرند که چرا فیلمسازی را رها کرده است، او در جواب این افراد می‌گوید که من از طریق نوشته‌هایم بی‌واسطه و مستقیم به مخاطبانم معرفی می‌شوم، در حالی که در فیلم‌ها من از طریق عوامل و غیرمستقیم در ارتباط هستم.»

اقبال زاده درباره اشتراکات مهرجویی در حوزه نویسندگی و کارگردانی افزود: «مهرجویی رمان‌نویس، همان مهرجویی کارگردان است، او روی آورده به نوعی خودبناگری ادبی، شما در پشت کلبه گفتمان روایی مهرجویی دغدغه‌هایش را می‌بینید. مهرجویی در حوزه نویسندگی دچار آگاهی کاذب نشده است و در رمان‌هایش به نقد مسایلی می‌پردازد که دغدغه و مشکل همه مردم است. او نگاه دکریپذیر و تکررگرا دارد و این یعنی تفکر دیرگان برای من مهم باشد.»

در ادامه مراسم ششم مقدمی قسمتی از بخش اول خاطرات پاریس را برای حضار خواند.

قضاوت را با مشاهده اشتباه نگیریم

سپس امیر پوریا به بیان دستاوردهای خواندن دو خاطره این کتاب پرداخت و گفت: «خوشبختانه در جامعه ما به خصوص پس از فیلم‌های اصغر فرهادی قضاوت نکردن درباره یکدیگر جا افتاده است، اما این موضوع همیشه با مشاهدات اشتباه می‌شود. یعنی وقتی از مشاهدات خود می‌گوییم، تهمت قضاوت کردن به ما زده می‌شود.»

پوریا ادامه داد: «وقتی کسی چون مهرجویی که به بیان بهرام بیضایی دستگاه فکری دارد به بیان و توصیف مشاهدات و تجربیات خود می‌پردازد، قضاوت نیست.»

این منتقد همچنین افزود: «تکته دیگری که در این کتاب قابل ارزش است، نقبی است که این دو خاطره به حافظه نویسنده می‌زند و زمانی که او اسمی را به خاطر نمی‌آورد به همان شکل نگارش را انجام داده است و همانطور که تفکر می‌کند و به یاد نمی‌آورد، می‌نویسد.»

پوریا در پایان سخنتاش با اشاره به مهاجرت مهرجویی به فرانسه در سال‌های اولیه انقلاب گفت: «این مهاجرت اجباری ما را یاد کیارستمی می‌اندازد و آن کار شجاعانه توام با جنون دوستانه که او در مقابل اتفاق پزشکی انجام داد، لحظه ثبت خاطره دیدار با ساعدی هم حاکی از همین خصلت است و احساس می‌کنم بابت همان لحظه به او مدیون هستیم، زیرا که تا اب یاد کیارستمی را این‌گونه زنده نگه‌داشت.»

فیلمسازی که ادا و اصول ندارد

در ادامه مراسم اسدالله امرایی درباره مهرجویی و نویسندگی‌اش گفت: «مهرجویی فیلمساز با سوادِی است و می‌داند چه حرفی را در چه زمانی بزند، زبان او ادا و اصول ندارد، راحت می‌توان با آن ارتباط برقرار کرد، این ویژگی‌ها باعث می‌شود تا آثار او مخاطبان را به خود جذب کند.»

امرایی در آخر گفت: «امروزه اگر فیلمسازی را می‌بینیم که رمان می‌نویسد و آن رمانش بر دل مردم نمی‌نشیند یعنی دارد حرف مردم را می‌زند که بر دلشان می‌نشیند.» سپس مجتبی گلستانی در مورد کوتاه به ارزشمندی امثال مهرجویی پرداخت و اذعان کرد: «باید قدر داشته‌های فرهنگی خود چون مهرجویی و کیمیایی را بدانیم و شیوه درست نقد را یاد بگیریم، نه این‌که مانند برنامه «هفت» به فحاشی و توهین نسبت به این بزرگان بپردازیم. می‌توانیم کارهایشان را دوست نداشته باشیم ولی نمی‌توانیم فراموش‌شان کنیم.» در بخش دیگر برنامه، وحیده محمدی‌فر بخش دیگری از کتاب را برای حضار خواند.

ناشناس ماندن خردورزان جامعه

در ادامه این مراسم رونمایی، داریوش مهرجویی که با تاخیر به جلسه رسید در تایید سخنان گلستانی گفت: «این که مسئله عجیبی نیست، ما الان فردی چون بابک احمدی را داریم که کتاب‌های بی‌نظیری نوشته است و به جد می‌گوییم که مانند او را در حوزه سینما و فلسفه نداریم ولی چه کسی او را می‌شناسد و آثارش را خوانده است، هیچکس! این اتفاق هم از سر حسودی و حق و کینه نیست بلکه از سر نادانی و کم‌دانشی است که حرف‌های او را نمی‌فهمیم، این را کم شعوری بعضی از افراد است که خردورزان جامعه‌مان را نمی‌شناسند.»

مهرجویی ادامه داد: «آن وقت شما می‌گویید چرا کتاب‌های من را نمی‌خوانند و ایراد می‌گیرند، چون درک و فهمش را ندارند.»

مهرجویی در پایان گفت: «اهمیت نوشتار بسیار بیشتر از گفتار است، اگر افلاطونی نبود که سخنان سقراط را بنویسد هرگز اثری از سقراط نداشتیم. البته کار من قصه پردازی است و فلیسوف نیستم، فلسفه من در همان قصه‌هایم نهفته است.»

در پایان هم جشن امضا کتاب «دو خاطره: سفرنامه پاریس، عوج کلاب» برگزار شد.